

اصلاح طلبان چهار ماه بعد از آنکه سیاست عدم شرکت در انتخابات مجلس را در پیش گرفته بودند و سید محمد خاتمی، رهبر اصلاحات به صراحت اعلام کرده بود که در کنار خیل عظیم ناراضیان در آن انتخابات رای نداده است، تصمیم گرفتند که برای انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری از سیاست «حضور مشروط» استفاده کنند.

معرفی سه نامزد اصلاح طلب

جبهه اصلاحات جمعه در جلسه‌ای هشت ساعته، سه نامزد نهایی خود در انتخابات ریاست جمهوری را معرفی کرد. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات درباره نتیجه آخرین جلسه این جبهه برای انتخاب کاندیدای نهایی گفت: «در نشست مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران، به ترتیب حروف الفبا، آقایان عباس آخوندی، مسعود پز شکیان، اسحاق جهانگیری، حائز دو-سوم آرایه عنوان کاندیداهای معرفی شده از سوی جبهه اصلاحات ایران شدند.»

جبهه اصلاحات سال ۱۴۰۰ نیز ۷ نفر آرایه عنوان کاندیداهای خود در انتخابات ریاست جمهوری معرفی کرده بود که همگی از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. این جبهه به رغم تلاش برخی از اعضا برای معرفی کاندیدای نهایی، بعد از اعلام نظر شورای نگهبان، بر اساس همان راهبرد پیشین خود، کاندیداهای مورد نظرش را معرفی و تصریح کرد که منتظر اعلام نظر شورای نگهبان می ماند. نکته قابل توجه تن ندادن محمدشریعتمداری، وزیر دولت‌های خاتمی و روحانی و عبدالناصر همتی، رئیس پیشین بانک مرکزی و کاندیدای انتخابات ۱۴۰۰ به سازوکار جبهه اصلاحات بود. به گفته علی اصغر احمدی، رئیس ستاد انتخاباتی محمدشریعتمداری، این کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در جلسه جبهه اصلاحات به منظور انتخاب کاندیدای نهایی برای انتخابات ریاست جمهوری حضور نداشته است.

معرفی مسعود پز شکیان و عباس آخوندی، دو کاندیدایی که مابانی تفکری کاملاً متضادی در عرصه اقتصاد و اجتماع دارند و هرگز نمی توان میان سیاست‌هایشان وجه مشترکی پیدا کرد، نشان می دهد که نگاه جبهه اصلاحات هم بیشتر بر اساس سازوکار مقطعی انتخابات است و این جریان نیز دچار فقر تئوریک است و مانند سایر جریان‌های سیاسی ایده مشخصی برای حکمرانی بهتر در چنته ندارد



گفت و گو

آنچه استراتژی حضور در انتخابات و ترکیب کاندیداهای جبهه اصلاحات به رخ می کشد

فقر تئوریک؛ بدون ایده بهتر برای حکمرانی



راهگشایی به سیاق روزنه گشایان

انتخابات مجلس در اسفند سال گذشته عرصه تولید یک اصطلاح سیاسی در میان کنشگران شد: «روزنه گشایان». این افراد باور داشتند که باید با جریانات میانه همسو شد و از صندوق رای فاصله گرفت.

رئیس جبهه اصلاحات می گوید که به هر قیمتی در انتخابات شرکت نمی کنیم بلکه در انتخاباتی شرکت می کنیم که نامزد خود را داشته باشیم. اصلاح طلبان باور دارند که در گذشته مسیری را که با سایر گروه‌ها طی کرده‌اند به ریزش سرمایه اجتماعی آنها منجر شده و دیگر نمی خواهند کاندیدای نیابتی داشته باشند

این بار نیز ایسن جریان بیانیه‌ای را با عنوان «راهگشایی» منتشر کرده و خواستار حضور بدون شرط در انتخابات شده است. در بیانیه ۱۵۱ فعال سیاسی و اجتماعی بانقد شرکت نکردن مردم در سه انتخابات گذشته و بدون دستور خواندن آن آمده است: «تداوم مشارکت پایین (مشابه سه انتخابات گذشته) و بحران نمایندگی سیاسی می تواند به افزایش تهدیدهای امنیت و بقا از داخل و خارج بینجامد و در تبدیل توسعه پایدار و گشایش به اولویت‌های نظام سیاسی تأخیر بیاندازد. افزایش معنادار مشارکت در انتخابات به جامعه ایران و

عزم جدی ما برای مشارکت فعال باشد و منتظر بررسی شورای نگهبان هستیم. همچنین جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در این نشست در پاسخ به این پرسش که چرا قبل از اعلام شورای نگهبان، نامزدهای خود را معرفی کردید، گفت: «ما به عنوان یک جریان سیاسی نامزدهای مشخصی داریم و باید از آنها حمایت کنیم. افراد دارای صلاحیت و شرایط را معرفی کرده‌ایم، ما خود را موظف نمی‌دانیم که از بین افراد تأیید صلاحیت شده نامزد انتخاب کنیم بلکه پیش از اعلام شورای نگهبان، نامزدهای خود را انتخاب کردیم. اگر نامزد واقعی خود را داشتیم، مشارکت فعال خواهیم داشت. بنای ما شرکت در انتخابات است اما انتخاباتی که همه جریان‌های سیاسی در آن نامزد داشته باشند.»

منصوری هم در همین زمینه گفت: «در انتخابات‌های ۹۲ و ۹۶ تلاش کردیم مشارکت حداکثری رقم بخورد اما این تجربه را اندوختیم که زیر بار کاندیدای نیابتی نرویم. سه نامزد ما پذیرفته‌اند بر اساس میثاق نامه جبهه اصلاحات رفتار کنند. نفیاً و اثباتاً در باره سایر نامزدها نظری نداریم. در ارتباط با آقای لاریجانی هیچ بحثی در جبهه اصلاحات نداشته‌ایم. تنها شرط حضور ما در انتخابات این است که بتوانیم نامزد خودمان را داشته باشیم.»

کامبیز نوروزی:

نامه اعضای دولت به شورای نگهبان در مورد اسماعیلی، نقض کامل بی طرفی است

ایران وجود دارد، این مقامات را ملزم به استعفا می کند و فریادی که کاندید شد و رأی نیاورد، با هم به سر کار قبلی خود بر می‌گردد. این هادر دوره تبلیغات انتخابات فواید بسیاری هم می‌برند. نوروزی در باره پرونده قضایی برخی ثبت نام کنندگان انتخابات گفت: ثبت نام افراد در مرحله اول اشکالی ندارد، اما شورای نگهبان باید به آن رسیدگی کند. آیا شورای نگهبان اصل بی طرفی و مقررات قانونی را با دقت مورد توجه قرار می دهد یا خیر؛ البته نظرات شورای نگهبان تجربه خوبی از خود به جا گذاشته است. قاعدتاً توجه به پرونده‌های این افراد، باید در صلاحیت شوند.



تقی زاده درباره این اظهار نظر که نامه مذکور محرمانه بوده نه برای انتشار و این موضوع مورد پیگیری قضایی قرار خواهد گرفت، تأکید کرد: «این اظهارات نوعی فرار رو به جلو است. نامه محرمانه باشد یا غیرمحرمانه سوء استفاده از عناوین و امکانات دولتی در راستای حمایت از کاندیدای خاص جرم است و بس. اگر این نامه محرمانه بوده است هم، این موضوع نامه زایل کننده فعل مجرمانه آقایان نیست. این اظهارات عذری بدتر از گناه است، مگر می شود از امکانات دولتی استفاده محرمانه کرد.»

کرده که اصلاً درست نیست. این کار یک روند نامبرک است که بی طرفی دولت در انتخابات را مخدوش می کند. وی در ادامه در ارتباط با عدم استعفا و وزیر برای شرکت در انتخابات اظهار داشت: این یکی از نواقص بزرگ قانون انتخابات است. شاید از این جهت که در قانون گذاری، حفظ قدرت هم دخالت زیادی دارد، تا به حال به آن توجه نشده است. اگر استاندارها و شهردارها و وزرا و اعضای شوراهای بلند مرتبه مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... بخوانند نامزد بشوند، باید استعفا دهند. روشی که در انتخابات

کرده که اصلاً درست نیست. این کار یک روند نامبرک است که بی طرفی دولت در انتخابات را مخدوش می کند. وی در ادامه در ارتباط با عدم استعفا و وزیر برای شرکت در انتخابات اظهار داشت: این یکی از نواقص بزرگ قانون انتخابات است. شاید از این جهت که در قانون گذاری، حفظ قدرت هم دخالت زیادی دارد، تا به حال به آن توجه نشده است. اگر استاندارها و شهردارها و وزرا و اعضای شوراهای بلند مرتبه مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... بخوانند نامزد بشوند، باید استعفا دهند. روشی که در انتخابات

کرده که اصلاً درست نیست. این کار یک روند نامبرک است که بی طرفی دولت در انتخابات را مخدوش می کند. وی در ادامه در ارتباط با عدم استعفا و وزیر برای شرکت در انتخابات اظهار داشت: این یکی از نواقص بزرگ قانون انتخابات است. شاید از این جهت که در قانون گذاری، حفظ قدرت هم دخالت زیادی دارد، تا به حال به آن توجه نشده است. اگر استاندارها و شهردارها و وزرا و اعضای شوراهای بلند مرتبه مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... بخوانند نامزد بشوند، باید استعفا دهند. روشی که در انتخابات

یک حقوقدان، درباره نامه وزرا به شورای نگهبان در راستای تأیید صلاحیت وزیر ارشاد، گفت: نامه‌ای که وزرا و معاونان به شورای نگهبان نوشته‌اند مغایر با ماده ۶۸ قانون انتخابات است. این ها کار مردمان عالی‌رتبه هستند و از دخالت در انتخابات منع شده‌اند. دولت و حتی رئیس جمهور هم کاندیدای دوره بعدی باشد، باید بی طرف عمل کند.

کامبیز نوروزی در گفت و گویا «انتخاب» افزود: نامه‌ای که این وزرا به شورای نگهبان داده‌اند، نقض صریح و کامل بی طرفی است. البته گویا یک مقام آگاه، آرایه عنوان شهادت نامه شرعی و حویجه

یک حقوقدان، استاد دانشگاه و نماینده مجلس ششم، درباره اظهارات صدیقی مبنی بر رئیس جمهور هم طراز با مر حوم رئیس گفت: «اگر اظهارات امام جمعه موقت به گونه‌ای باشد که از آن، حمایت از کاندیدای خاص استشمام شود، عملی مجرمانه است و اگر قوه قضائیه بی طرفانه این مسائل را رصد کند باید علیه این رفتارها اقدام جرم شود و به نحوی به موضوع رسیدگی شود که برای دیگران الگو شود تا خلاف بین قانونی را انجام ندهند.»

به گزارش دیده بان ایران؛ علی تقی زاده، اظهارات صدیقی و نامه اعضای هیأت دولت را از بعد حقوقی بررسی کرد و با اشاره به ماده ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری و دو تبصره آن که با اطلاق و عموم قانون گذاری شده است، گفت: «انجام هر گونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدهای ریاست جمهوری از میز خطابه نماز جمعه و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی و دولتی دارد و فعالیت کارمندان

یک حقوقدان:

شورای نگهبان علیه فعالیت انتخاباتی صدیقی اعلام جرم کند

در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات، و شرکت‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و نهادها و مؤسساتی که از بودجه عمومی (به هر مقدار) استفاده می‌کنند و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور ممنوع بوده و تکمیل مجرم شناخته می‌شود.»

وی افزود: در تبصره‌های ایسن ماده هم آمده است که: «مؤسسات و نهادهایی که دارای آنان از اموال عمومی است، همانند بنیاد مستضعفان، مشمول ماده فوق می‌باشند. تبصره ۲ - ادارات و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نهادها و اعضای آنها با ذکر سمت خود حق ندارند له یا علیه هیچ‌یک از نامزدهای انتخاباتی اعلامیه، اطلاعیه، پلاکاردها بدهند.»

تقی زاده با اشاره به عنوان به کاررفته در نامه گروهی از اعضای هیأت دولت خطاب به شورای نگهبان تأکید کرد: «در ابتدای امر نوشته شده که اینجانان مدیران را شد و اعضای هیئت دولت، اگر

جامعه جهانی پیام ثبات سیاسی، اقتدار و انسجام ملی می دهد، امید به براندازی و تهدید امنیت در ایران را در میان براندازان و ایران ستیزان به شدت می‌کاهد، ایران را از تعادل بدو موقعیت پر مخاطره کنونی که نیروها و قدرت‌های زیادی را ذی نفع تضعیف ایران کرده است می‌رهاند و به سمت تعادل جدیدی می‌برد که در داخل و خارج بر شمار ذی نفعان امنیت و رشد ایران می‌افزاید.»

به نظر می‌رسد نقد مهم این جریان، حمایت جریان اصلاحات از کاندیدای اختصاصی است و می‌توان از لایه لای سطور بیانیه‌شان حمایت از علی لاریجانی را هم مشاهده کرد. مساله‌ای که دقیقاً جریان اصلاحات آن را موجب سرمایه‌سوزی نیروهای اجتماعی خود قلمداد می‌کند و به نظر می‌رسد در صورت رد صلاحیت احتمالی هر سه کاندیدای اصلاح طلب، شکاف این جریان با احزاب اصلاح طلب افزایش یابد.

باین حال آذر منصوری با احتیاط سعی می‌کند فعلاً موضع گیری خاصی درباره این بیانیه نداشته باشد و تصریح می‌کند: «تلاش ما این است که با همه دوستان بتوانیم به اجماع نظر برسیم. جبهه اصلاحات عزم مشارکت فعال دارد و وعیدی می‌دانم باین دوستان وارد چالش شویم.»

البته سعید حجاریان، فعال سیاسی در این باره با انتقاد از بیانیه راهگشایی می‌گوید: «تقدشکلی و محتوایی بیانیه راهگشایان (روزنه گشایان) را، به بعد از انتخابات موقوف می‌کنم. اما امیدوار صاحبان امضا پس از انتخابات بمانند و به سمت تشکیل حزب بروند. دستور سیاست‌سوزی حزب است نه حزب‌دایی.»

محمد قوچانی، از طراحان بیانیه راهگشایی نیز در جواب حجاریان نوشت: «روزنه گشایی یا «راه» گشایی جنبش ملی و مدنی برای اصلاح اصلاحات بر مبنای بازگشت آن به اصل و ارتقای آن بر اساس مفاهیم جدید و نسل جدید و مخاطرات تازه «برای ایران» است؛ حرکتی ائتلافی برای بازآرایی جبهه و راهی از هژمونی حزبی و نه افزایش تعداد احزاب. حرکتی «گفتگویی و راهبردی» که حزبی آن را به «یک حزب» تقلیل ندهیم.»

بدون تئوری، به دنبال هویت

اصلاح طلبان با شناخت آسیب‌های رفتاری خود در دهه ۹۰ و حمایت‌های بدون قید و شرط از افرادی که سابقه اصلاح طلبی نداشتند، آسیب جدی به سرمایه اجتماعی خود وارد کرده‌اند و تلاش دارند با پافشاری بر اصول اصلاح طلبی خود را دوباره احیا کنند. البته معرفی مسعود پز شکیان و عباس آخوندی، دو کاندیدایی که مابانی تفکری کاملاً متضادی در عرصه اقتصاد و اجتماع دارند و هرگز نمی‌توان میان سیاست‌هایشان وجه مشترکی پیدا کرد، نشان می‌دهد که نگاه جبهه اصلاحات هم بیشتر بر اساس سازوکار مقطعی انتخابات است و این جریان نیز دچار فقر تئوریک است و مانند سایر جریان‌های سیاسی ایده مشخصی برای حکمرانی بهتر در چنته ندارد.